

نقد اقدام متقابل (تحریم نفت) اتحادیه اروپا علیه ایران از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت

احمد مؤمنی راد^۱

ناصر خداپرست^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۷

چکیده

شورای اتحادیه اروپا در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، در راستای تشدید فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفت تحریم‌های اقتصادی بیشتری در بخش انرژی از جمله تحریم خرید نفت از ایران وضع کند. اتحادیه اروپا مبنای حقوقی اقدام خود را عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای خود و همچنین ارتباط بالقوه میان درآمدهای نفتی و فعالیت‌های هسته‌ای این کشور، بر اساس مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت عنوان کرد و به مسئولیت ایران بر اساس طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل استناد کرد و خرید نفت از ایران را به مثابه یک اقدام متقابل تحریم کرد. اما آیا ایران نسبت به تعهدات هسته‌ای خود بر اساس معاهده NPT، نقض تعهدی انجام داده است؟ آیا اتحادیه اروپا و دول عضو آن شرایط مربوط به انجام اقدام متقابل علیه ایران را بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت به طور قانونی رعایت کرده‌اند؟ در این پژوهش مشروعیت اقدام متقابل اتحادیه اروپا درباره تحریم نفت ایران از طریق بررسی طرح مسئولیت بین‌المللی دولت تحلیل و بررسی و نتیجه گرفته شد که اتحادیه اروپا هیچ کدام از شرایط مربوط به اجرای اقدام متقابل مصرح در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت را رعایت نکرده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، اقدام متقابل ایران، تحریم نفت، حقوق بین‌الملل، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت.

۱. استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) ۰۹۱۲۳۲۷۲۹۱۶

E-mail: Momenirad@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۰۹۳۶۴۲۳۷۷۲۴

E-mail: Nasser_khodaparast1986@yahoo.com

مقدمه

از جمله اقداماتی که اتحادیه اروپا به کرات در سیاست خارجی خود از آن استفاده می کند تحریم های اقتصادی است. اتحادیه اروپا از تحریم های اقتصادی به منزله ابزاری برای تغییر رفتار سیاسی کشورهای هدف بهره می گیرد (Beckhout, 2011: 501-502). این اتحادیه از دهه ۱۹۹۰ تا کنون، تحریم های اقتصادی متعددی علیه دولت های مختلف از جمله بلاروس، جمهوری دموکراتیک کنگو، ساحل عاج، هائیتی، برمه، سودان، زیمبابوه، لیبی، سوریه و ایران وضع کرده است. جدیدترین این تحریم های اقتصادی، قطعنامه ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا علیه ایران و تحریم خرید نفت از این کشور است.^۱

اتحادیه اروپا دلیل تحریم خرید نفت از ایران را عدم پایبندی این دولت به تعهدات هسته ای خود و همچنین اجرای مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت عنوان کرده است (Dupont, 2012: 18). مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ بیان می دارد که «میان درآمدهای مالی به دست آمده از بخش انرژی ایران با فعالیت های هسته ای این کشور ارتباط بالقوه وجود دارد» (UN.S.Res, 3: 1929, 2010). بدین دلایل اتحادیه اروپا، بر اساس طرح مسئولیت دولت مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل، ایران را دارای مسئولیت بین المللی دانست و خرید نفت از این دولت را به منزله یک اقدام متقابل تحریم کرد (Dupont, 2012: 18-21). اما آیا ایران نسبت به تعهدات هسته ای خود بر اساس معاهده NPT و اساس نامه آژانس بین المللی انرژی اتمی نقض تعهدی انجام داده است؟ آیا اتحادیه اروپا و دول عضو آن شرایط مربوط به انجام اقدام متقابل علیه ایران را بر اساس طرح مسئولیت بین المللی دولت به طور قانونی رعایت کرده است؟ برای پاسخ به این سؤالات ابتدا بایستی اشاره کرد که با اینکه یک سازمان بین المللی علیه یک دولت اقدام متقابل انجام داده است، این اقدام اتحادیه اروپا را بایستی در پرتو مواد طرح مسئولیت دولت بررسی کرد نه طرح مسئولیت سازمان. زیرا بر اساس تفسیر ماده ۲۲ طرح مسئولیت سازمان، این طرح نسبت به اقدامات متقابلی که یک سازمان بین المللی علیه یک دولت انجام می دهد قابل اجرا نیست، بلکه تنها نسبت به اقدامات متقابل یک سازمان بین المللی علیه یک سازمان دیگر قابل اعمال است (DARIO, 2011: 47).^۲ اما تفسیر در ادامه مقرر می دارد که می توان با استفاده از «قیاس» مواد مربوط به طرح مسئولیت دولت را هنگامی که

1. Council Regulation (EU) No 267/2012 of 23 March 2012 concerning restrictive measures against Iran and repealing Regulation (EU) No 961/2010 (O.J. L 88/1, 24.3.2012).
2. Draft articles on the Responsibility of International Organizations, 2011, (DARIO)

اقدام متقابلی از سوی یک سازمان علیه یک دولت صورت می‌گیرد، مورد استفاده قرار داد؛ زیرا شرایط مربوط به اقدام متقابل در طرح مسئولیت سازمان همانند شرایط مربوط به اقدام متقابل در طرح مسئولیت دولت است (Ibid). بنابراین، در این پژوهش اقدام متقابل اتحادیه اروپا بر اساس قیاس از رهگذر مواد ۴۹ تا ۵۴ طرح مسئولیت دولت بررسی خواهد شد. در قسمت اول، ابتدا شرایط اقدام متقابل اتحادیه اروپا علیه ایران و در قسمت دوم، اقدام متقابل اتحادیه اروپا از منظر اساس‌نامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌منزله قانون خاص^۳ بررسی خواهد شد.

بررسی شرایط اقدام متقابل اتحادیه اروپا علیه ایران

دولت یا سازمانی که علیه دولت دیگر دست به اقدام متقابل می‌زند، باید از لحاظ قانونی استحقاق انجام این عمل را داشته باشد. برای انجام دادن اقدام متقابل علیه یک دولت سه شرط باید احراز شود: شرط اول و دوم، که شروط ماهوی اقدام متقابل است، این است که در وهله اول کشور مسئول بایستی تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرده باشد و دوم اینکه طرف دیگر از این نقض تعهد زیان دیده باشد. شرط سوم، که شرط شکلی اقدام متقابل است، این است که طرف زیان‌دیده باید از طرف مسئول تقاضای مذاکره کند تا دو طرف بتوانند به طور مسالمت‌آمیزی اختلافاتشان را حل و فصل کنند (Calamita, 2009: 1422).

یگانه دلیل اتحادیه اروپا برای انجام اقدام متقابل علیه ایران عدم‌پایبندی این دولت به تعهدات هسته‌ای خود عنوان شده است.^۴ اما آیا «عدم پایبندی»^۵ به معنای «نقض تعهد»^۶ است؟ آیا وضعیت ایران در آژانس و ادعای کشورهای غرب مبنی بر عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای خود، حقی برای سایر اعضای آژانس به وجود می‌آورد تا خود را به عنوان کشور زیان‌دیده در برابر اقدامات ایران محسوب کنند و متوسل به اقدام متقابل شوند؟ آیا اتحادیه اروپا و دول عضو آن، چه از لحاظ ماهوی و چه از لحاظ شکلی، شرایط اقدام متقابل مصرح در طرح مسئولیت دولت را رعایت کرده‌اند؟ در این قسمت شروط اقدام متقابل اتحادیه اروپا علیه ایران به طور جداگانه بررسی خواهد شد.

3. lex Specialis

4. Council Decision 2012/35/CFSP of 23 January 2012 concerning restrictive measures against Iran .p.1.

5. Non - compliance

6. Breach

۱. بررسی نقض تعهد دولت ایران و متضرر شدن اتحادیه اروپا (شروط ماهوی)
اتحادیه اروپا و دول عضو آن به قسمت ۲ بند ۲ ماده ۴۲ و قسمت ۱ بند ۱ ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت در انجام اقدام متقابل علیه ایران استناد کرده‌اند. آن‌ها مدعی شده‌اند که ایران بر اساس این مواد مرتکب نقض تعهد بین‌المللی شده و از این نقض تعهد اعضای جامعه بین‌المللی، که عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌اند، دچار ضرر و زیان شده‌اند و از طرف دیگر نقض تعهد ایران بر اساس مواد ۴۲ و ۴۸، از یک طرف، نظام حقوقی معاهده NPT و از طرف دیگر، تداوم اجرای تعهدات سایر کشورهای عضو این معاهده را تضعیف کرده است. این دلایل و ادعای اتحادیه اروپا به علاوه ماده ۵۰ طرح مسئولیت دولت به عنوان یکی دیگر از شرایط ماهوی به طور جداگانه بررسی می‌شود.

۱.۱. بررسی قسمت ۲ بند ۲ ماده ۴۲ طرح مسئولیت

ماده ۴۲ طرح مسئولیت دولت مقرر می‌دارد:

«دولت زیان‌دیده حق دارد به مسئولیت دولت دیگر استناد کند، اگر تعهد نقض شده در برابر اشخاص ذیل باشد:

الف) آن دولت به تنهایی یا

ب) گروهی از دولت‌ها که شامل آن دولت نیز باشد یا جامعه بین‌المللی در کل، و نیز در صورتی که نقض تعهد صورت گرفته:

۱. به طور خاص آن دولت را متأثر کند؛ یا

۲. چنان ویژگی داشته باشد تا وضعیت تمامی دولت‌هایی را که آن تعهد در قبال آن‌ها نیز

وجود دارد از حیث تداوم اجرای آن تعهد اساساً تغییر دهد»^۷ (DARSIWA, 2001: 42).

بند ۲ ماده ۴۲ به صدمه و آسیبی می‌پردازد که از نقض تعهدات جمعی ایجاد می‌شوند، یعنی تعهداتی که بر بیش از دو دولت اعمال می‌شوند و اجرای آن‌ها فقط در قبال یک دولت نیست، بلکه مخاطب آن‌ها گروهی از دولت‌ها یا حتی جامعه بین‌المللی در کل است (ILC Yearbook, 2001, 118). دول غربی و اتحادیه اروپا برای انجام اقدام متقابل خود به قسمت ۲ بند ۲ این ماده استناد کرده‌اند.

7. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001 (ARSIWA)

نسبت به این ادعای غرب شایان توضیح است که تاکنون هیچ مرجع بین‌المللی به صورت عینی اثبات نکرده که جمهوری اسلامی ایران تعهدات هسته‌ای خود را نقض کرده است. از هیچ یک از قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمی‌توان استنباط کرد که آژانس به نقض تعهد از سوی جمهوری اسلامی ایران و منحرف شدن فعالیت هسته‌ای آن به سمت اهداف غیرصلح‌آمیز حکم کرده باشد. تمامی حقوق‌دانان بین‌المللی نیز بر این امر اذعان دارند که در گزارش‌های بازرسان و مدیر کل آژانس هیچ‌گونه انحراف یا نقض تعهدی از سوی ایران بیان نشده است و فقط در این گزارش‌ها بر موضوعات باقی‌مانده تأکید شده و فقط ایران را به «عدم پایبندی» و نه «نقض تعهد» متهم نموده است (Joyner, 2012: 24). در صورتی که بر اساس ماده ۴۲ باید یک نقض تعهد بین‌المللی صورت گیرد تا دولت متخلف متحمل مسئولیت بین‌المللی شود و بتوان علیه آن دولت متوسل به اقدام متقابل شد.

از طرف دیگر به زعم اکثریت حقوق‌دانان بین‌المللی تعهدات ایران بر اساس معاهده NPT و موافقت‌نامه پادمان خود با آژانس، فقط دارای خصوصیت فنی، تکنیکی^۸، و شکلی است و این تعهدات به هیچ وجه ماهوی^۹ محسوب نمی‌شوند که عدم همکاری مناسب با آن‌ها موجب نقض آن‌ها و سبب آسیب و خسارت به سایر اعضای معاهده شده باشد. بنابراین، توسل به اقدام متقابل بر اساس شرط اول، و به استناد عدم پایبندی و نه نقض تعهد ایران نسبت به تعهدات هسته‌ای خود که دارای خصوصیت فنی و تکنیکی است و نه ماهوی، غیرقانونی و نامشروع است (Joyner, 2011: 91-92).

دربارۀ شرط ۲ ابتدا بایستی اظهار داشت که دول غربی مدعی‌اند که ایران تعهدات جمعی و عام‌الشمول مندرج در معاهده NPT از جمله ماده ۲ این معاهده (عدم تولید سلاح‌های هسته‌ای) را نقض کرده و با این نقض تعهد خود، از یک طرف نظام و ساختار معاهده NPT و از طرف دیگر، تداوم اجرای تعهدات سایر کشورهای عضو این معاهده را تضعیف کرده است. اتحادیه اروپا مدعی است که تعهد مندرج در ماده ۲ NPT یک تعهد جمعی، موضوع قسمت ۲ ماده ۴۲ طرح مسئولیت است، بنابراین، دولت‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم متحمل خسارت و ضرر شده‌اند، حق اقدام متقابل علیه ایران را دارند.

در پاسخ به ادعای اول شایان توضیح است که به استناد قسمت ۲ بند ۲ ماده ۴۲ «نقض تعهد بایستی از چنان خصیصه‌ای برخوردار باشد که به طور اساسی و بنیانی موقعیت تمامی کشورهای دیگری را که آن تعهد نیز نسبت به آنها وجود دارد از حیث تداوم اجرای آن تعهد اساساً تغییر دهد». بر اساس تفسیر این ماده، این تعهد یک «تعهد جامع و هم‌بسته»^{۱۰} محسوب می‌شود (ILC Yearbook, 2001: 117). اما مصادیق تعهدات هم‌بسته چیست؟ آیا تعهد مندرج در ماده ۲ معاهده NPT یک تعهد هم‌بسته محسوب می‌شود؟

قسمت ۲ بند ۲ ماده ۴۲ زبان قسمت ۲ بند ۲ ماده ۶۰ کنوانسیون وین حقوق معاهدات^{۱۱} را منعکس می‌کند که جبهه غرب نیز بر این ماده از کنوانسیون حقوق معاهدات در اقدام متقابل خود علیه ایران تأکید دارند (Sicilianos, 2002: 34-35). کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره

10. Interdependent

۱۱. ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات مقرر می‌دارد: فسخ یک معاهده یا تعلیق اجرای آن در نتیجه:
 - ا. نقض اساسی یک معاهده دوجانبه از سوی یکی از طرفین طرف دیگر معاهده را مجاز می‌دارد تا به نقض مزبور به عنوان مبنای فسخ یا تعلیق کامل یا بخشی از آن استناد نماید؛ ۲. نقض اساسی یک معاهده چندجانبه توسط یکی از طرف‌های معاهده:
 - الف) به دیگر طرف‌های معاهده حق می‌دهد تا با موافقت جمعی به تعلیق اجرای تمام یا بخشی از معاهده اقدام کنند یا نسبت به فسخ آن:
 - (۱) خواه در روابط بین خود از سوی و کشور متخلف از سوی دیگر یا (۲) در روابط بین تمامی کشورهای امضاکننده مبادرت نمایند؛
 - ب) به طرفی که به‌ویژه از نقض معاهده زیان دیده است حق می‌دهد تا با استناد به آن، تمام یا بخشی از اجرای معاهده را در روابط بین خود و کشور متخلف به حال تعلیق درآورد؛
 - ج) به هر یک از طرف‌های معاهده به استثنای کشور متخلف حق می‌دهد تا با استناد به آن، اجرای تمام یا بخشی از معاهده را در ارتباط با خود معلق نماید، به شرط آنکه ماهیت معاهده به گونه‌ای باشد که نقض اساسی مقررات آن توسط یک طرف، وضعیت هرکدام از طرف‌های دیگر را در اجرای بعدی تعهدات وی که از معاهده ناشی می‌شوند، از پایه دگرگون سازد.
 - (۳) به‌منظور ماده حاضر، نقض اساسی یک معاهده تشکیل می‌شود از:
 - الف) اعراض از معاهده به طریقی که مورد تأیید عهدنامه حاضر نباشد؛ یا
 - ب) تخلف از مقرراتی که برای تحقق موضوع یا هدف معاهده اساسی باشد.

حقوق معاهدات و بر طبق نظر گزارشگر خود، فیتز موریس^{۱۲}، تعهد هم‌بسته را این‌گونه تعریف نمود که «تعهد هم‌بسته آن نوع از تعهدی است که اجرای آن به وسیله یک طرف، لزوماً وابسته به اجرای آن به طور مساوی به وسیله تمامی طرف‌های دیگر نیز باشد و نقض آن تعهد سبب تضعیف کل نظام آن معاهده شود» (Fitzmaurice, 1966: 31).

کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت دولت‌ها و بر طبق نظر گزارشگر خود، کرافورد^{۱۳}، تعهد هم‌بسته را این‌گونه تعریف کرد که «تعهد هم‌بسته به عنوان تعهدی مطرح می‌باشد که اجرای آن تعهد توسط دولت مسئول، شرط ضروری اجرای آن، توسط تمامی دولت‌های دیگر طرف آن تعهد باشد» (ILC Yearbook, op.cit, p.118). این نکته بسیار ظریف شایان توجه است که تعریف مربوط به تعهد هم‌بسته از نظر حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت متفاوت از هم است؛ زیرا در حقوق مسئولیت بین‌المللی موضوع تقسیم‌بندی یک «تعهد» به عنوان یک تعهد هم‌بسته یا غیرهم‌بسته مطرح می‌شود، در حالی که در حقوق معاهدات بحث تقسیم‌بندی «معاهده» مطرح است نه تعهدات. بنابراین، دیدگاه بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی نیز همین است که به‌سختی می‌توان تعهدات مندرج در ماده ۲ معاهده NPT را به مثابه یک تعهد هم‌بسته در معنای ماده ۴۲ طرح دانست. زیرا همان‌گونه که عنوان شد، از منظر حقوق معاهدات خصیصه اصلی یک تعهد هم‌بسته این است که نقض تعهد مندرج در یک معاهده اجرای آتی و آینده آن معاهده، از سوی تمامی طرفین دیگر آن معاهده را غیرممکن سازد و همچنین باعث ایجاد تهدید و خطر نسبت به ساختار کلی آن معاهده شود. اما از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت و ماده ۴۲ خصیصه اصلی یک تعهد هم‌بسته این است که نقض یک تعهد خاص فی‌نفسه و مستقیماً بر اجرای آتی و آینده همان تعهد خاص، از سوی تمامی طرفین دیگر آن تعهد تأثیرگذار باشد و آن را تضعیف نماید نه خود معاهده را (Singh, 2012: 20). در نتیجه اجرای این ماده به همراه تفسیر آن و تعریف تعهد هم‌بسته از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل، نسبت به پرونده هسته‌ای ایران بسیار بعید است؛ زیرا بر اساس ماده ۴۲، در پرونده هسته‌ای ایران، بحث اجرای تعهدات هسته‌ای این دولت نسبت به معاهده NPT مطرح است نه تضعیف ساختار کلی این معاهده که مورد ادعای دول غربی است.

12. Fitzmaurice

13. Crawford

ادعای دوم دولت‌های غربی مبنی بر این‌که، عدم پایبندی دولت ایران نسبت به تعهدات هسته‌ای خود بر اساس معاهده NPT، تداوم اجرای تعهدات تمامی سایر کشورهای^{۱۴} عضو این معاهده را تضعیف کرده است، که موضوع قسمت ۲ بند ۲ ماده ۴۲ نیز است، دارای ایراد حقوقی است. برای اثبات این ایراد حقوقی دو دلیل وجود دارد:

دلیل اول این است که تمامی طرف‌های دیگر معاهده NPT در اجرای تعهدات خاصی که نسبت به این معاهده دارند متأثر نخواهند شد؛ زیرا تمامی کشورهای عضو معاهده NPT ملزم به اجرای تعهد عدم تولید سلاح‌های هسته‌ای، مقرر در ماده ۲ این معاهده نیستند^{۱۵} (Ibid). تعهد مقرر در ماده ۲ تنها مخصوص کشورهای است که دارای سلاح‌های هسته‌ای نیستند،^{۱۶} نه نسبت به کشورهایی از قبیل آمریکا و سایر کشورهای اروپایی که سلاح‌های هسته‌ای دارند.^{۱۷} نسبت به این دسته از کشورها ماده ۱ این معاهده مجری است.^{۱۸} پس چگونه ممکن است که آمریکا و متحدین اروپایی اش، که سلاح هسته‌ای دارند، موضوع هسته‌ای ایران به مثابه کشوری که دارای سلاح هسته‌ای نیست و نوع و ماهیت تعهد این کشور (ماده ۲ NPT) نسبت به این دسته از کشورها (ماده ۱ NPT) تفاوت دارد، باعث تضعیف این کشورها در اجرای تعهداتشان بر اساس معاهده NPT شده باشد؟

14. All States

۱۵. ماده ۲ NPT مقرر می‌دارد: هر دولت فاقد تسلیحات هسته‌ای در این پیمان متعهد می‌شود هیچ‌گونه سلاح هسته‌ای یا ابزارهای انفجار هسته‌ای و اعمال کنترل مستقیم یا غیرمستقیم بر چنین سلاح‌ها یا ابزارهایی را از هر منبع انتقال‌دهنده یا به هر نحو دیگری، دریافت نکند؛ به ساخت یا تلاش برای دست‌یابی به سلاح‌ها یا ابزارهای انفجار هسته‌ای مبادرت نرزد و در پی کمک برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای یا ابزارهای انفجار هسته‌ای نباشد یا چنین کمک‌هایی را دریافت نکند.

16. Non-nuclear weapon states

17. Nuclear weapon states

۱۸. ماده ۱ NPT مقرر می‌دارد: هر دولت دارای تسلیحات هسته‌ای، در این پیمان متعهد می‌شود از انتقال هرگونه سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ابزارهای انفجار هسته‌ای یا دادن کنترل مستقیم یا غیرمستقیم سلاح‌ها یا ابزارهای انفجار هسته‌ای به دیگران خودداری کند و به هیچ نحوی از انحاء، هیچ یک از کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای را یاری، تشویق، و ترغیب به ساخت یا دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ابزارهای انفجار هسته‌ای یا کنترل چنین سلاح‌ها یا ابزارهای انفجاری نکند.

در نتیجه، موضوع قسمت ۲ بند ۲ ماده ۴۲ طرح مسئولیت که در خصوص «تغییر در وضعیت تمامی دولت‌های دیگر از حیث تداوم اجرای تعهد، که همان تعهد در قبال آن‌ها نیز وجود دارد» است، نسبت به معاهده NPT مجری نیست؛ زیرا در معاهده NPT تعهدات کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و غیر آن از لحاظ ماهوی با هم تفاوت دارند. بنابراین، به سبب تفاوت در ماهیت تعهدات کشورهای که سلاح هسته‌ای دارند و کشورهایی که سلاح هسته‌ای ندارند نمی‌توان به ماده ۴۲ برای انجام اقدام متقابل استناد کرد؛ زیرا در معاهده NPT دو نوع تعهد با دو ماهیت متفاوت وجود دارد و عدم تعهد یک کشور باعث تضعیف در اجرای تعهد کشور دیگری که نوع تعهد آن فرق می‌کند نمی‌شود (Singh, op.cit: 21). علاوه بر این، رویه جاری آژانس در طول این یک دهه که پرونده هسته‌ای ایران در آژانس مطرح است و نیز گزارشات مدیر کل آژانس اثبات‌کننده این ادعاست. بنابراین، استناد دولت‌های غربی نسبت به این ماده برای انجام اقدام متقابل علیه ایران غیرقانونی است.

دلیل دوم این است که تفسیر ماده ۴۲ طرح مسئولیت دولت مصادیق تعهدات هم‌بسته را ذکر کرده است که عبارت‌اند از معاهدات خلع سلاح و معاهده منطقه آزاد هسته‌ای. طرح مسئولیت دولت هیچ‌گونه اشاره‌ای به معاهده NPT ننموده است. بنابراین، نمی‌توان به همین سادگی پذیرفت که نقض معاهده NPT شبیه آن معاهدات، هر یک از طرفین را در مقام کشور قربانی قرار داده و اجازه اقدام متقابل را به او می‌دهد (ILC Yearbook, op.cit: 119).

در نتیجه آستانه احراز و تحقق ماده ۴۲ بسیار بالاست (Singh, op.cit: 16) و نمی‌توان هر حادثه و رویدادی از جمله پرونده هسته‌ای ایران را در این ماده جای داد. موضوع هسته‌ای ایران و عدم همکاری مناسب ادعایی از سوی آژانس، و آن هم نه نقض تعهد، باعث به وجود آمدن آستانه ماده ۴۲ نشده است. در نتیجه تعهدات موجود در معاهده NPT و موافقت‌نامه‌های پادمانی کشورها به عنوان تعهدات هم‌بسته در معنای قسمت ۲ بند ۲ ماده ۴۲ محسوب نمی‌شوند و اقدام متقابل اتحادیه اروپا از این منظر غیرقانونی و نامشروع است.

۲.۱. بررسی قسمت ۱ بند ۱ ماده ۴۸ طرح مسئولیت

ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت مقرر می‌دارد: «۱. هر دولتی غیر از دولت زیان‌دیده برای استناد به مسئولیت دولت دیگر مطابق با بند ۲ دارای حق می‌باشد: الف) اگر تعهد نقض شده مربوط به تعهدی در برابر گروهی از دولت‌ها از جمله آن دولت بوده و برای حمایت از منافع جمعی

آن گروه ایجاد شده باشد، یا ب) تعهد نقض شده مربوط به تعهدی در برابر کل جامعه بین‌المللی باشد (DARSIWA, 2001: 48).

اگرچه مسئولیت دولت، تحت حقوق بین‌الملل، مستقل از استناد دولت دیگری به آن ایجاد می‌گردد، معهدا ماده ۴۸ به دولت‌های ثالث اجازه می‌دهد تا به مسئولیت دولتی که ناقض تعهدی بوده که در برابر کل جامعه بین‌المللی مسئولیت حفظ آن را داشته، استناد جویند (Ibid: 48(1)).

استدلالات مذکور در قسمت قبل (بررسی قسمت ۲ بند ۲ ماده ۴۲) نیز در این مورد به طور مشابه مجری است، بنابراین، از تکرار مطالب خودداری می‌شود، اما علاوه بر آن، بایستی به این مطلب اشاره کرد که در تفسیر ماده ۴۸ نیز همانند ماده ۴۲، تنها به معاهدات منطقه آزاد هسته‌ای اشاره شده است و هیچ‌گونه اشاره‌ای به معاهده NPT نشده است. تفسیر شماره ۷ ماده ۴۸ چنین بیان می‌کند که تعهداتی که در قلمرو این ماده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از معاهداتی که برای حمایت از محیط زیست و حقوق بشرند، یا معاهدات منطقه‌ای درباره منطقه آزاد هسته‌ای (ILC Yearbook, op.cit,p.126). بنابراین، می‌توان از تفاسیر و تحلیل این دو ماده چنین برداشت نمود که تعهداتی که در قلمرو این مواد قرار می‌گیرند، شامل معاهده NPT نخواهند شد، زیرا پذیرش نظری بر خلاف این با توجه به تفاسیر این دو ماده بسیار سخت و بعید است.

در نهایت، باید به نکته مهمی اشاره کرد و آن این است که کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر ۶ ماده ۵۴ مقرر می‌دارد:

«رویه دولت‌ها در زمینه اعمال اقدامات متقابل بر اساس ماده ۴۸ علیه کشورهای که به طور غیرمستقیم آسیب دیده‌اند، به اندازه کافی رشد پیدا نکرده است و لذا در قانونی بودن و مشروعیت این اقدامات بایستی تردید داشت. لذا تجویز دولت‌ها به طور بالقوه برای ارزیابی اینکه آیا نقض حقوق بین‌الملل توسط یک دولت صورت گرفته است یا خیر؟ امروزه به سختی توسط حقوق بین‌الملل قابل قبول است و دولت‌ها از چنین اختیاری در حال حاضر برخوردار نیستند» (Ibid). کمیسیون این‌گونه نتیجه‌گیری نمود حقوق جاری مربوط به اقدامات متقابل، که منافع جمعی را به دنبال داشته باشد (ماده ۴۸)، هنوز مستقر نشده است؛ زیرا رویه فعلی دولت‌ها در این خصوص بسیار ابتدایی است و در مراحل اولیه قرار دارد (Dawidowicz, 2007: 417).

۳.۱. بررسی ماده ۵۰ طرح مسئولیت (رعایت تعهداتی که نبایستی تحت تأثیر اقدام متقابل قرار گیرند)

ماده ۵۰ طرح مسئولیت دولت مقرر می‌دارد: «۱. اقدامات متقابل نباید تعهدات زیر را تحت تأثیر قرار دهند: الف) تعهد به عدم تهدید یا توسل به زور آن‌گونه که در منشور ملل متحد آمده است. ب) تعهدات مربوط به حمایت از حقوق بنیادین بشری، ج) تعهدات با ماهیت بشردوستانه که اقدامات تلافی‌جویانه را منع می‌کنند، و د) دیگر تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام (DARSIWA, op.cit, art: 50)».

قسمت «ب» بند ۱ مقرر می‌کند که اقدامات متقابل نمی‌تواند تعهدات مربوط به حمایت از حقوق بنیادین بشری را تحت تأثیر قرار دهند. مؤسسه حقوق بین‌الملل نیز در قطعنامه سال ۱۹۳۴ اظهار داشت که «دولت به هنگام مبادرت به اقدامات متقابل باید از هرگونه اقدام شدیدی که مغایر حقوق بشر و اقتضائات وجدان عمومی باشد، خودداری نماید» (Annuaire de l'Institut de droit international, 1934: 710).

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۸ خویش تأثیر مجازات‌های اقتصادی بر جمعیت غیرنظامی و به‌ویژه کودکان را بحث و بررسی می‌کند. کمیته بر این نکته تأکید کرد که «در هر شرایط، اعمال اقدام متقابل اقتصادی باید با توجه به مقررات میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی صورت گیرد و ادامه داد که ضروری است میان هدف اساسی اعمال فشار اقتصادی و سیاسی بر طبقه حاکمه یک کشور برای متقاعد کردن آن‌ها به رعایت حقوق بین‌الملل و درد و رنج وارده بر آسیب‌پذیرترین اقشار در کشور مزبور تمایز قائل شویم»^{۱۹}. برخلاف گرایش‌های اعلام‌شده از طرف اتحادیه اروپا مبنی بر رویکرد اصلی حقوق بشری در سیاست‌های این اتحادیه، تحریم وضع‌شده اخیر به‌روشنی با بسیاری از مقررات حقوق بشری تعارض دارد که در اینجا به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۳.۱.۱. حقوق فردی و مدنی

همچنان که در فهرست ضمیمه تحریم اتحادیه اروپا تصریح شده، بسیاری از اشخاص حقیقی و مسئولان و مدیران و حتی افراد عادی ایرانی، بدون اثبات هیچ اتهامی مورد تحریم واقع شده‌اند. این افراد آشکارا از بسیاری از حقوق اساسی مانند حق آزادی و امنیت شخصی، حق

19. E/C.12/1997/8, December 1997, para. 1.1997, paras 1-4

آزادی رفت و آمد، آزادی تجارت و کار، آزادی دفاع قضایی و دادخواهی عادلانه، و دهها حق شخصی و خانوادگی دیگر محروم شده‌اند (Porretto, 2008: 253-254). این حقوق در اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و به‌خصوص در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸^{۲۰} تصریح شده و لازم‌الرعایه است (Eeckhout, op.cit: 516-517).

۲.۳.۱. حقوق اقتصادی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶، در مواد ۷ الی ۱۸، حقوقی از قبیل حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق برخورداری از زندگی مناسب و برخورداری از غذا، پوشاک و مسکن کافی، بهداشت، آموزش و پرورش، و نیز حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری را به‌تصریح بیان کرده است.^{۲۱} اقدام اتحادیه اروپا علیه ایران با توجه به خسارات اقتصادی که متوجه ایران شده است بر وضعیت معیشتی مردم ایران تأثیر نامطلوب گذاشته است. نمونه این تأثیر نامطلوب را پس از اعمال تحریم در ایران افزایش شدید تورم، قیمت ارز خارجی، و قیمت تمامی اجناس بود. این امر باعث شد مردم برای تأمین مایحتاج زندگی خود با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شوند و هنوز نیز با این مشکل روبه‌رو هستند (www.teriboon.ir). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اقدام اتحادیه اروپا علیه ایران، باعث ایجاد محدودیت در انجام تعهدات حقوق بشری خود شده است؛ زیرا ایفای تعهدات حقوق بشری از جمله استثنائات اقدام متقابل است که نایستی تحت تأثیر قرار گیرند. حتی در قطعنامه‌های صادر شده علیه جمهوری اسلامی ایران، لزوم پایبندی کشورها و احترام در رابطه با تجارت بین‌الملل تصریح شده است (S.C.Res, 1929, 2010, preamble and para.10).

اما با کمال تعجب در تحریم‌های اتحادیه اروپا حتی التزام به این تصریحات نیز مراعات نشده است. بنابراین، اتحادیه اروپا از این نظر تعهدات خود بر اساس ماده ۵۰ طرح مسئولیت دولت را به‌درستی رعایت کرده است.

20. European Convention on Human Rights(ECHR),1948.art .6 and 13

21. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, General Assembly Res No 2200A, UN Doc No A/6316, 1966.arts6-17

۲. بررسی شرایط شکلی مربوط به اقدام متقابل اتحادیه اروپا علیه ایران

۲.۱. بررسی قسمت ۲ بند ۱ ماده ۵۲ طرح مسئولیت (دادن پیشنهاد مذاکره)

بر فرض مشروعیت اقدام اتحادیه اروپا بر اساس ماده ۴۲ طرح مسئولیت، این سؤال مطرح می‌شود: آیا اتحادیه اروپا شرایط شکلی اقدام متقابل علیه ایران را رعایت کرده است؟ ماده ۵۲ طرح مسئولیت دولت مقرر می‌دارد: «۱. دولت زیان‌دیده پیش از مبادرت به اقدامات متقابل باید: الف) مطابق ماده ۴۳ از دولت مسئول بخواهد که تعهداتش را به موجب بخش دوم ایفا نماید، ب) هرگونه تصمیم راجع به اتخاذ اقدامات متقابل را به دولت مسئول اطلاع دهد و به او پیشنهاد مذاکره کند (DARSIWA. op.cit, art.52)».

فلسفه شرط ابلاغ آن است که دولت دیگر از دعوا مطلع شده و فرصتی برای ارائه پاسخ داشته باشد. بنابراین، قسمت ب بند ۱ ایجاب می‌کند دولت زیان‌دیده‌ای که قصد دارد به اقدامات متقابل مبادرت ورزد باید دولت مسئول را از این تصمیم مطلع کند و به او پیشنهاد مذاکره دهد. اقدامات متقابل می‌تواند تأثیرات شدیدی بر دولت هدف (دولت مسئول) داشته باشد و بنابراین، باید به او فرصت داد که بر وضعیت خود در صورت مواجهه با اقدامات متقابل پیشنهادی تعمق کند (ILC Yearbook, op.cit,p.136).

ایران در حال حاضر در حال مذاکره با کشورهای ۱+۵ با سرپرستی کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپاست. تا زمانی که این مذاکرات به شکست نینجامیده‌اند بحث اقدام متقابل منتفی است و هیچ کدام از طرفین تا زمانی که این مذاکرات در حال پیگیری است حق اقدام متقابل علیه دیگری را ندارد (Dupont, op.cit: 24). حتی در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت صادرشده علیه جمهوری اسلامی ایران، ضرورت توجه به مذاکره با ایران تصریح شده است ((Res, 1929: 22010 (S.C.)).

اما با کمال تعجب در تحریم‌های اتحادیه علیه ایران حتی التزام به این تصریحات مراعات نشده است. بنابراین، اقدام متقابل اتحادیه اروپا علیه ایران غیرقانونی است، زیرا اتحادیه اروپا شرط شکلی مربوط به اقدام متقابل که در بند ۱ ماده ۵۲ طرح مسئولیت مقرر است، از جمله مذاکره با طرف مقابل را رعایت نکرده است و از این نظر متحمل مسئولیت است (Dupont, op.cit: 24).

۲.۲. بررسی ماده ۵۱ طرح مسئولیت (شرط تناسب)

ماده ۵۱ طرح مسئولیت دولت مقرر می‌دارد که «اقدامات متقابل باید با زیان وارده متناسب باشند و با توجه به شدت فعل متخلفانه بین‌المللی و حقوق مورد بحث انجام شوند» (DARSIWA, op. citart: 51).

ماده ۵۱ بر مبنای ملاحظات مربوط به تناسب، محدودیتی اساسی بر مبادرت به اقدامات متقابل از سوی دولت زیان‌دیده ایجاد می‌کند. این ملاحظات در تصمیم‌گیری درباره اینکه چه اقدامات متقابلی می‌تواند اعمال شود؟ و میزان شدت آن‌ها تا چه حد باید باشد؟ دخیل اند. تناسب یک شرط پذیرفته شده در اتخاذ اقدامات متقابل است که به طرز گسترده‌ای در رویه دولت‌ها، دکترین و رویه قضایی به رسمیت شناخته شده است (ILC Yearbook, op. cit: 134).

تحریم خرید نفت اتحادیه اروپا علیه ایران و خسارات اقتصادی ناشی از این اقدام به هیچ وجه با موضوع هسته‌ای ایران، که هیچ‌گونه آسیبی به اعضای آژانس و جامعه بین‌المللی وارد نکرده و هیچ‌گونه نقض تعهدی از طرف ایران از سوی آژانس به اثبات نرسیده است، متناسب نیست. صرف نظر از مشکلات اقتصادی، که گریبان‌گیر خود کشورهای اروپایی در نتیجه این تحریم نفتی شده است، این تحریم آثار نامطلوبی نیز بر اقتصاد ایران به همراه داشته است. اتحادیه اروپا تا قبل از اعمال تحریم، حدود ۶۰۰ هزار بشکه در روز نفت از ایران خریداری می‌کرد که معادل یک‌چهارم صادرات نفت ایران است (Katzman, 2012: 38-39). با اعمال این تحریم میزان تولید نفت ایران به کمتر از ۲ میلیون بشکه در روز تنزل پیدا کرد؛ در نتیجه تقاضای نفت این کشور به شدت کاهش پیدا کرده است. به سبب اینکه ایران درصد بسیاری از بودجه‌اش را از طریق فروش نفت تأمین می‌کند، با کاهش تولید ناشی از این تحریم، این کشور به طور حتم با کسری بودجه مواجه خواهد شد (Ibid).

رامین مهمان پرست سخن‌گوی اسبق وزارت امور خارجه ایران نیز در واکنش به اعمال تحریم نفتی اتحادیه اروپا اظهار داشت «اتحادیه اروپا با تداوم رویکرد فشار از طریق تحریم نفت، عملاً امنیت انرژی و اقتصاد ایران و تعادل بازار جهانی انرژی را در سطح بین‌المللی تهدید کرده است. او تحریم نفت اتحادیه اروپا را فاقد مشروعیت و مغایر قوانین بین‌المللی دانست» (WWW.khabarfarsi.com).

تمامی حقوق‌دانان بین‌المللی نیز بر این امر اذعان داشته‌اند که این اقدام اتحادیه به هیچ وجه با موضوع هسته‌ای ایران متناسب و سازگار نیست. بنابراین، اتحادیه اروپا این شرط شکلی را نیز رعایت نکرده است و از این نظر نیز این اقدام، غیرقانونی و بر خلاف ماده ۵۱ طرح مسئولیت دولت است (Dupont, op.cit: 30).

بررسی مشروعیت اقدام متقابل اتحادیه اروپا، از دیدگاه مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان قانون خاص^{۲۲}

مقررات مربوط به مسئولیت دولت‌ها و از جمله مقررات مربوط به استفاده از اقدامات متقابل، مقررات ثانویه حقوق بین‌الملل اند و متعاقباً در مواجهه با تعهدات و مقررات اولیه، شرح داده می‌شوند. ماده ۵۵ طرح مسئولیت دولت مقرر می‌دارد که «مواد طرح مسئولیت تا جایی که شرایط تحقق فعل متخلفانه بین‌المللی یا نتایج قانونی آن تابع قواعد خاص (اولیه) حقوق بین‌الملل باشد اعمال نمی‌شوند» (DARSIWA, op.cit.art: 55). این مواد بیانگر دکتترین قانون خاص ناسخ قانون عام است.

بر اساس تفسیر این ماده، از قانون خاص و اولیه تحت عنوان «رژیم‌های حقوقی خودبسنده»^{۲۳} یاد شده است. در قضیه «کارکنان دیپلماتیک و کنسولی آمریکا در تهران» دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به مفهوم رژیم‌های خودبسنده، به عنوان وضعیت‌های مشخص و معینی که در آن، رژیم حقوق بین‌الملل از توسل به مکانیزم‌های اجرایی خارج از آن جلوگیری می‌کند، اشاره کرد (I.C.J, 1980. para. 86). در نتیجه رژیم‌های خودبسنده معرف استثنا نسبت به اصول ثانویه و قابل اعمال حقوق بین‌الملل از جمله حقوق مسئولیت دولت‌هاست (Simma, 1985: 111). نظام مربوط به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده NPT دربرگیرنده مجموعه‌ای از قواعد و مقررات دقیق و مشخص است که برای بررسی و کشف موارد نقض تعهدات ماهوی و اساسی معاهده تنظیم شده است. آیا وجود مکانیزم یا نهاد نظارتی‌ای همچون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استفاده احتمالی از اقدامات متقابل را از سوی کشورهای عضو معاهده به عنوان یک قانون خاص محدود می‌نماید؟ آیا معاهده NPT یا اساس نامه آژانس به عنوان یک نظام حقوقی خودبسنده محسوب می‌شوند؟

22. lex Specialis

23. Self-contained Regimes

مسئله اصلی درباره خصیصه خودبسنده بودن نظام یک معاهده این است که متن یک معاهده چه به طور صریح یا ضمنی استفاده احتمالی از مکانیزم‌های اجرایی فراتر از معاهده، از قبیل اقدامات متقابل را مشخص کند. متأسفانه معاهده NPT هیچ‌گونه مقررهای در این باره که اقدامات متقابلی فراتر از معاهده وجود دارند یا خیر دربر ندارد (Calamita, op.cit: 1434). کشورهای غربی نیز از این امر سوء استفاده کردند و مدعی شدند که چون سیستم نظارت معاهده NPT مبهم و مشخص نیست، در نتیجه می‌توان فراتر از معاهده، از مکانیزم‌های اجرایی دیگر از قبیل اقدامات متقابل استفاده کرد (Ibid). کشورهای غربی مدعی اند که معاهده NPT، توسل به مکانیزم‌های اجرایی خارج از معاهده را ممنوع نساخته است و فقدان مکانیزم‌های اجرایی معاهده محور نشان‌دهنده این است که طرفین معاهده از ابتدا بر این قصد بوده‌اند تا به مکانیزم‌های اجرایی و مقررات ثانویه حقوق بین‌الملل از جمله حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت استناد کنند (Edwards, 1984: 14).

اما درباره خصیصه خودبسنده بودن اساس نامه آژانس بایستی عنوان کرد که اساس‌نامه و موافقت‌نامه‌های پادمان که دولت‌ها با آژانس منعقد می‌کنند، از لحاظ قانونی خودبسنده است و مکانیزمی اجرایی و نظارتی معاهده محور برای نقض‌های معاهده NPT به شمار می‌روند. از این رو اساس‌نامه آژانس توسل به اصول کلی و مقررات ثانویه حقوق بین‌الملل از جمله حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت را ممنوع می‌کند (Dupont, op.cit: 27). اساس‌نامه آژانس و نظام پادمان، که NPT ایجاد کرده است، دربرگیرنده مجموعه‌ای گسترده از روش‌هایی است که نه تنها از موارد نقض تعهدات اساسی و ماهوی معاهده جلوگیری می‌کند، بلکه سازوکاری برای تعیین نقض ارائه می‌کند (Ibid).

موارد عدم تبعیت یک دولت نسبت به NPT و موافقت‌نامه‌های پادمان هسته‌ای، در وهله نخست از سوی بازرسان به مدیرکل آژانس و سپس به شورای حکام آژانس گزارش می‌شود. با دریافت گزارش درباره عدم تبعیت یک کشور از تعهدات خود، شورای حکام ملزم می‌شود به کشور خاطی اعلام کند تا تعهدات خود را اجرا کند (IAEA Statute, art. XII). به هنگام قصور و کوتاهی یک کشور از انجام تعهدات خود و نیز جبران تخلفاتش در یک مدت زمان معقول، شورای حکام ممکن است یکی از این اقدامات یا هر دو را انجام دهد:

۱. هدایت آژانس نسبت به متوقف کردن یا تعلیق هر گونه کمکی که از سوی آژانس مقرر

شده است.

۲. تعلیق آن کشور از مزایا و حقوق عضویت خود که بر طبق اساس‌نامه آژانس صورت می‌گیرد.

اساس‌نامه هیچ‌گونه اقدام اضافی دیگری از سوی شورای حکام مقرر نکرده است و ممکن است آژانس در صورت ادامه نقض تعهد کشور متخلف و ایجاد تداخل بین وظایف خود و شورای امنیت پرونده را به شورای امنیت ارجاع دهد تا خود آن نهاد بین‌المللی نسبت به این قضیه تصمیم‌گیری کند (Calamita, op.cit: 1436). در نتیجه این آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که حق دارد تصمیم بگیرد که عدم اطاعت از مقررات آژانس صورت گرفته است یا خیر. کشورها این اختیار را ندارند که متخلفانه بودن یا نبودن اعمال یک کشور را بررسی کنند و خود به عنوان یک قاضی حکم صادر کنند و هر اقدامی که بخواهند علیه آن کشور انجام دهند و آن اقدامات را تحت عنوان اقدامات متقابل تلقی کنند (Dupont, op.cit: 27).

اساس‌نامه آژانس به ارگان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز کشورهای عضو حقوق انحصاری برای واکنش اضافی نسبت به نقض معاهده NPT را نمی‌دهد، بلکه برعکس، اساس‌نامه آژانس خودبسنده بوده و این‌گونه طراحی شده است که ارزیابی نهایی مربوط به تبعیت یک کشور نسبت به تعهدات خود از طریق بازرسان آژانس است و در صورت احراز تخلف، آن کشور عضو متخلف را ترغیب می‌کند تا تعهدات خود را رعایت کند تا هرگونه ابهام در فعالیت‌های خود را از بین ببرد و در غیر این صورت آژانس می‌تواند حق عضویت آن کشور را به حالت تعلیق دریاورد (Calamita, op.cit: 1437).

بنابراین، با توجه به این که اساس‌نامه آژانس موارد تخلف و نیز واکنش نسبت به آن را مشخص کرده است، اقداماتی فراتر از این مقررات از سوی کشورهای عضو علیه کشور متخلف مجاز نیست، زیرا آژانس در اساس‌نامه تکلیف برخورد با کشور متخلف را مشخص کرده است. مقررات آژانس خودبسنده است و به‌عنوان مقرر خاص موضوع ماده ۵۵ طرح مسئولیت دولت‌ها محسوب شده و سایر کشورها بایستی به مقررات آژانس احترام گزارزند و سرخود و با رأی خود، نسبت به کشور متخلف واکنش‌هایی را تحت عنوان اقدامات متقابل انجام ندهند. این‌گونه اقدامات بر اساس مقررات خاص آژانس غیرقانونی و نامشروع است (Dupont, op.cit: 27).

تمامی کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز خود شورای حکام که بدون احراز تخلف از طریق گزارش بازرسان پرونده ایران را به شورای امنیت فرستاده‌اند بایستی

ملزم به این مکانیزم و مقررات آژانس می‌بودند و از آن تبعیت می‌کردند. صرف نظر از این عمل غیرقانونی شورای حکام، دولت‌های غربی که خود عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز است، با رأی خود در شورای حکام، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع داده‌اند و بر اساس بند یک ماده ۲۴ منشور، اختیاراتی را به شورای امنیت تفویض کرده‌اند تا از طرف آن‌ها و به نیابت از آن دولت‌ها، علیه دولت متخلف و برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدام نماید. شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه‌های متعددی خود را وارد قضیه کرده و اقداماتی را علیه فعالیت هسته‌ای ایران اعمال کرده است. بر اساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد کلیه اعضای ملل متحد از جمله دول عضو اتحادیه اروپا نیز ملزم به اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت است و همچنین با استناد به ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد تعهدات ناشی از اقداماتی که بر طبق این منشور صورت می‌گیرند نسبت به تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌هایی که میان کشورها منعقد می‌شوند از جمله معاهده NPT و اساس‌نامه آژانس مقدم و برتر است. با استناد به این مواد، اقدام اتحادیه اروپا علیه ایران غیرقانونی است، زیرا اولاً در قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران هیچ اشاره‌ای به تحریم خرید نفت از ایران نشده است و ثانیاً اینکه تنها شورای امنیت اختیار دارد تا افراد و موضوعات جدید دیگری علاوه بر آنچه تا کنون در قطعنامه ذکر شده است، از جمله بخش انرژی ایران را مشمول این تحریم‌ها قرار دهد. در این قطعنامه‌ها هیچ‌گونه عبارتی درباره اینکه کشورهای عضو ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی اختیار این را داشته باشند تا خود، این افراد و نهادها و موضوعات جدید و اضافی را مشخص و معین کنند، وجود ندارد. لذا کشورهای سازمان‌های بین‌المللی از لحاظ قانونی این اختیار را ندارند تا قلمرو این تحریم‌ها را گسترش دهند. اتحادیه اروپا با تحریم خرید نفت از ایران و نیز مسدود کردن اموال و دارایی‌های افراد و نهادهایی که در قطعنامه‌های شورای امنیت و کمیته تحریم به هیچ وجه معین نشده است، در نقض ماده ۱۰۳ و ۲۵ منشور عمل کرده و برخلاف قطعنامه‌های شورای امنیت و فراتر از آن برای خود اختیار قایل شده و علیه ایران تحریم خرید نفت اعمال کرده است. اختیار اتحادیه اروپا در گسترش نهادها و موضوعات اضافی مورد تحریم قطعنامه‌های شورای امنیت، غیرمجاز و برخلاف مقررات منشور بوده و بی‌احترامی به خود شورای امنیت است (امین‌زاده و خداپرست، ۱۳۹۱: ۲۴).

نتیجه‌گیری

وضع تحریم‌ها علیه ایران و پافشاری برخی کشورها در استمرار یا تشدید آن، با ادعای اقدام متقابل مخاطرات جدی و جبران‌ناپذیری را برای آینده ارتباطات بین‌المللی، حقوق حاکمیت کشورها در عرصه آزادی تجارت، فعالیت‌های بانکی و مالی، و نیز علیه حقوق اتباع کشورها، دربر خواهد داشت، به گونه‌ای که می‌توان با توجه به وسعت و تنوع و گستردگی این تحریم‌ها، این رویه اتحادیه اروپا را اقدامی به دور از حسن‌نیت و تهدیدآمیز تلقی نمود. این نوع اقدامات به سبب عدم برخورداری از مشروعیت، فاقد وجهت بین‌المللی است؛ زیرا اتحادیه اروپا و دول عضو آن تعهدات بین‌المللی خود در برابر ایران را، درباره نفت و محصولات پتروشیمی نقض کرده‌اند؛ زیرا بین ایران و برخی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا معاهدات گوناگون دوجانبه در زمینه‌های مختلف، مانند انرژی، روابط مودت‌آمیز، بازرگانی و کشتیرانی، و نیز تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری وجود دارد که از سوی نهادهای قانونی دو دولت به تصویب رسیده و لازم‌الرعايه است. مثلاً موافقت‌نامه «تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری متقابل» از جمله موافقت‌نامه دوجانبه رایج بین دولت‌های عضو اتحادیه از قبیل ایتالیا، آلمان، فرانسه، و اتریش با ایران است که ایران نیز این موافقت‌نامه‌ها را با بسیاری از دولت‌ها منعقد کرده است. تحریم‌های اخیر وضع شده علیه ایران نقض یک‌جانبه این موافقت‌نامه‌ها تلقی می‌شود.

علاوه بر این، در عرصه مبادلات تجاری و اقتصادی ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، برخلاف همه مشترکات این کشورها با جمهوری اسلامی ایران و داشتن اقتصادی مکمل، وضع و استمرار این تهدیدها به‌ویژه در شرایط خاص اقتصادی کنونی این اتحادیه، حق آزادی مبادلات مالی و تجاری را بین اشخاص حقیقی و حقوقی دو طرف تهدید کرده و فرصت‌های بسیاری را از این کشورها و شرکت‌های تجاری و اتباع این کشورها سلب نموده است که خسارات جبران‌ناپذیر آن امروزه بیش از پیش آشکار شده است.

به همین سبب در فرایند تحریم‌های بین‌المللی باید بر جنبه‌هایی از قبیل مشروعیت، ضرورت و تناسب آن‌ها و همچنین تأثیر این تحریم‌ها بر افراد غیرنظامی، توجه ویژه‌ای معطوف داشت. پیوند ملاحظات و ارزش‌های اخلاقی با ایدۀ اعمال حقوق بین‌الملل از طریق تحریم‌ها و نظارت مؤثر بر آن‌ها در استفاده از تحریم‌های اقتصادی امری ضروری است. زیرا نظام بین‌الملل کنونی به سبب نبود مقام و مرجع جهانی و نظارت بر دولت‌های ملی مستلزم احترام متقابل به منظور همکاری بین دولت‌هاست. اتحادیه اروپا نمی‌تواند خود را در جایگاه

مجری قانون در جامعه بین المللی بنشانند. وانگهی اجرای اقدام متقابل متوقف بر اثبات و احراز نقض قانون است که باید از سوی مرجع بی طرف قضایی صورت گیرد. با توجه به این بیان بسیار فشرده، طرح دعوی بین المللی علیه اقدامات تحریمی مورد بحث اتحادیه اروپا به احتمال بسیار زیاد به محکومیت این اقدامات منتهی خواهد شد که این امر اخیراً تحقق پیدا کرده است و برخی از شرکت های نفتی با شکایت علیه شورای اتحادیه اروپا در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا از لیست تحریم ها خارج شده اند.

در مجموع، می توان نتیجه گرفت که تلاش بین المللی کشورها به طور گروهی برای رسیدن به حفظ صلح و امنیت بین المللی، با انجام این اقدامات غیرقانونی بسیار کند خواهد شد و سبب می شود جامعه بین المللی در راه رسیدن به این هدف ناکام بماند. حرمت منشور به منزله دستاورد عظیم همکاری های بین المللی پس از دو جنگ جهانی، به عنوان سندی اساسی و ضامن حفظ صلح و امنیت بین المللی باید پاس داشته شود. از این رو بهتر آن است که شورای امنیت در قطعنامه های خود هنگامی که خود را وارد قضیه ای می کند، به ممنوعیت انجام اقدامات متقابل یک جانبه از سوی برخی از کشورها و سازمان ها که فراتر از قطعنامه های شورای امنیت صورت می گیرد، اشاره کند و آن ها را از انجام این اقدامات متقابل منع نماید.

منابع

امین زاده، الهام و خداپرست، ناصر (۱۳۹۱). «نقد تحریم نفت اتحادیه اروپا علیه ایران از منظر حقوق بین الملل»، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۶۰.

Eeckhout, Piet (2011). *EU External Relations Law*, Oxford University Press.

Joyner, D. H. (2011). *Interpreting the Nuclear Non-Proliferation Treaty*, Oxford: Oxford University Press.

مقالات

Calamita .N. Jansen ,2009 “Sanctions, Countermeasures, and the Iranian Nuclear Issue” *Vanderbilt Journal of transnational Law*, Volume 42.

Dawidowicz, Martin. 2007 “Public Law Enforcement Without Public Law Safeguards? An Analysis of State Practice on Third-Party Countermeasures and Their Relationship to the UN Security Council”, *The British Yearbook of International Law*, vol. 77.

- Dupont, Pierre-Emmanuel, 2012, "Countermeasures and Collective Security: The Case of the EU Sanctions Against Iran" *Journal of Conflict and Security Law*, vol. 17.
- Edwards, D.M., 1984 "International Legal Aspects of Safeguards and the Non-Proliferation of Nuclear Weapons", *International and Comparative Law Quarterly*. Vol. 33.
- Joyner, D H, 2012, *The Security Council as a Legal Hegemon*, Georgetown Journal of International Law, vol. 43.
- Katzman, Kenneth, October 15, 2012. "Iran Sanctions" *American Congressional Research Service*
- Porretto, Gabriele, 2008 "The European Union, Counter-Terrorism Sanctions against Individuals and Human Rights Protection" in: *Fresh Perspectives on the 'War on Terror'* edited by Miriam Gani, Penelope Mathew, Australian National university press .
- Sicilianos, Linos-Alexander, 2002 "The Classification of Obligations and the Multilateral Dimension of the Relations of International Responsibility", *European Journal of International Law*, vol. 13.
- Simma, Bruno, 1985, *Self-Contained Regimes*, Netherlands Yearbook of International Law, vol.16.
- Singh, Sahib, 2012 "Non Proliferation Law & Countermeasures: Their Function and Role in Determining the Status of a Special Regime" in: "Non proliferation, Law, as, a, Special, Regime" D. Joyner & M. Roscini(eds) Cambridge: Cambridge University Press.

آرای قضایی

United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (U.S. v. Iran), I.C.J.3 ,1980.

اسناد و معاهدات

- Annuaire de l'Institut de droit international*, vol. 38 .1934.
- Commentaries on the Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, ILC Yearbook II(2). 2001 .
- Council of the European Union*, "Basic Principles on the Use of Restrictive Measures (Sanctions)" 10198/1/04 REV 1, PESC 450, Brussels, 7 June 2004.

Council Regulation (EU) No 267/2012 of 23 March 2012 concerning restrictive measures against Iran and repealing Regulation (EU) No 961/2010 (O.J. L 88/1, 24.3.2012).

Draft articles on the Responsibility of International Organizations, 2011, (DARIO)
Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001 (ARSIWA)

European Convention on Human Rights (ECHR), 1948.

Fitzmaurice Second Report on Law of Treaties, ILC Draft Articles on Law of Treaties Commentary, 1966 .

Ruiz, G Arangio, *Third Report on State Responsibility, A/CN.4/440/Add 1, ILC Yearbook II(1).1991.*

Security Council Resolution 1929.

Special Reporter, *Crawford Third Report on State Responsibility, U.N. Doc. A/CN.4/507/Add. July 18, 2000.*

Statute of the International Atomic Energy Agency.

وب سایت

[http://www.teriboon.ir.1391/4/18.](http://www.teriboon.ir.1391/4/18)

[http://khabarfarsi.com.1391/04/12.](http://khabarfarsi.com.1391/04/12)